

« درس هفتم: عقل در فلسفه (1) »

1. کاربردهای عقل در فلسفه را بنویسید. (نهایی شهريور و دی 99)
الف) عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال (ب) عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده
2. عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال چه کاربردی دارد؟ توضیح دهید
انسان با کمک عقل خود استدلال می کند و از این طریق به دانش ها و حقایق دست می یابد و می تواند هستی را از نیستی ، خوب را از بد و درست را از نادرست و حق را از باطل تشخیص دهد. همچنین با کمک عقل می توان دین و آیین درست را انتخاب کرد و در علوم و دانش های مختلف به پیشرفت رسید و از وقت و فرصت ها بهتر بهره برد.
3. آیا همه افراد از قدرت عقلی یکسانی برخوردارند؟ چگونه می توان توانمندی های عقلی را تقویت کرد؟
خیر، توانمندی های عقلی در کودک به صورت یک استعداد وجود دارد که با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد و تقویت می شود به همین سبب در افراد مختلف این توانایی ها متفاوت است و برخی انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت کمتری دارند.
4. عالم عقول را تعریف کنید. بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم و موجودات دیگری هم وجود دارند که با حواس ظاهری نمی توان آن ها را درک کرد و حقیقت وجودشان مجرد از ماده است. یکی از این عوالم عالم عقل یا عقول است.
5. ویژگی های عالم عقول و موجودات عقلانی را بنویسید. این موجودات از جسم و ماده مجردند و در قید زمان و مکان نیستند، در افعال خود نیاز به ابزار مادی ندارند، حقایق اشیا را از طریق شهود درک می کنند و به مفاهیم و استدلال نیاز ندارند.
6. موجودات و فرشتگان در عالم عقول از چه طریقی علم و حقیقت را درک می کنند؟
علم این موجودات از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول یا فرشتگان حقایق اشیا را شهود می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
7. از نظر فیلسوفان آیا روح انسان استعداد و توانایی رسیدن به عالم عقول و شهود حقایق را دارد؟ چگونه؟
بله. روح هر انسانی می تواند با تهذیب و تزکیه نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از جسم و ماده مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است همچون فرشتگان بسیاری از حقایق را شهود کند.
8. عقل و خرد در نزد حکمای ایران قدیم از چه جایگاهی برخوردار بود؟ توضیح دهید.
یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خرد ورزی ایران باستان است که اندیشمندان آن به خرد ورزی و فرزاندگی شهرت داشتند. آنان از وجود عقل به عنوان یک وجود متعالی و برتر آگاه بوده اند و به عقل به عنوان تعقل و خرد ورزی اهمیت می داده اند. در اندیشه حکمای ایران قدیم خرد با وجود آفریدگار، متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان و موجودات را بر اساس خرد آفریده و با خرد و عقل خود آن ها را رهبری می کند.
9. کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته ؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید.

هراکلیتوس، لوگوس در نزد او هم به معنای عقل به عنوان حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه. کلمه و سخن نزد او ظهور و پرتو عقل هستند و عقل همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند و هم کلمات و سخن و به نظر او اشیاء عالم همان کلمات عقل و بیان حکمت و علم او هستند (خرداد 99)

10. ارسطو قوه ی عقل را بر اساس کاربرد به چند دسته تقسیم کرد؟ عقل نظری / عقل عملی

11. مقصود ارسطو از عقل نظری و عقل عملی چیست؟ مثال بزنید

عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آن ها بحث می کند مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت عقل نظری نامیده می شود.

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او بحث می کند مانند انسان نباید ظلم کند، انسان باید راست بگوید عقل عملی نامیده می شود.

12. ارسطو بر اساس عقل، علم و دانش را به چند دسته تقسیم میکند؟ هر یک را تعریف کنید (دی 99)

علم نظری: دانشی که توسط عقل نظری به دست می آید.

علم عملی: علم و دانشی که از عقل عملی به دست می آید.

13. ارسطو چه تعریفی از انسان ارائه می کند؟ مقصود او چیست؟ او انسان را با مفهوم حیوان ناطق تعریف می کند که منظور از نطق همان عقل و تفکر است. او عقل را ذاتی انسان می دانست.

14. ارسطو استدلال را به چند دسته تقسیم کرد و آن ها را در کدام آثار خود تدوین نمود؟

استدلال تجربی و استدلال عقلی محض. او آنها را در بخش منطق آثار خود تدوین نمود.

15. در دوره جدید اروپا و عصر رنسانس عقل چه جایگاهی در اروپا و نزد فلاسفه داشت؟

در این دوره عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی می شد. عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند.

16. توجه فلاسفه مسیحی در دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن دهم تا سیزدهم میلادی) به تبیین مسائل دینی با روش عقلانی چه نتیجه مهمی به دنبال داشت؟ (نهایی دی 99) این توجه عقلی به مسائل دینی چون با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت منجر به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی در مقابل عقل شد و در رنسانس سبب شد تا عقل جای دین را بگیرد و دین را در حاشیه قرار دهد.

17. در دوره اول حاکمیت کلیسا در اروپا (قرن سوم تا نهم میلادی) عقل چه جایگاهی داشت؟ توضیح دهید.

(نهایی شهریور 99) / در این دوره بزرگسان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان

می دانستند و حتی برخی عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند. در نظر آنان ایمان قوی از آن کسی بود که در برابر شبهه های عقل بایستد و بر ایمان خود استوار بماند.

18. به چه دلیل در دوره دوم حاکمیت کلیسا حکمای مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند و نتیجه آن چه بود؟ (نهایی خرداد 99) آنان تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان

مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده بود به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما چون این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.

19. نظر و دیدگاه دکارت را درباره کارکرد و جایگاه عقل شرح دهید. او به همه توانایی های عقل مانند بدیهیات عقلی و استدلال های عقلی محض توجه داشت و معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال می دانست.

20. از نظر اوگوست کنت، عقل انسان چه زمانی می تواند به واقعیت و علم دست یابد؟

وقتی عقل با روش حسی و تجربی وارد عمل شود و فقط از طریق علم تجربی می توان به شناخت واقعیت رسید.

21. محدوده عملیات عقل را نزد فیلسوفان زیر بیان کنید.

ارسطو: عقل به دو دسته عقل نظری و عملی تقسیم می شود. عقل قوه استدلال و ذاتی انسان است.

بزرگان اولیه کلیسا: عقل عامل تضعیف ایمان و امری شیطانی و مخالف دین است.

فرانسیس بیکن: بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر روش تجربی است نه روش عقلی.

دکارت: عقل صرفاً یک دستگاه استدلال است و می تواند وجود خدا، نفس مجرد و اختیار انسان را اثبات کند.

اوگوست کنت: عقل فقط از طریق علم و روش تجربی می تواند به شناخت واقعیات برسد.

22. تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است (نهایی 98 و 99)

1. در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزدا همان خداوند است (ص)

2. از نظر هراکلیتوس، اشیای عالم همان کلمات عقل هستند که حقیقت برتر است. (ص)

3. هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل و نطق می باشد. (ص)

نکات مهم درس

1. مفهوم دین ما را به یاد ایمان می اندازد. مفهوم عرفان، شهود و عشق را تداعی می کند و مفهوم فلسفه با عقل و عقلانیت گره خورده است.

2. فیلسوفان مهم ترین مدافعان عقل هستند. آنان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند منظور ارسطو از حیوان ناطق همان عاقل است.

3. کاربرد رایج عقل بین مردم به عنوان دستگاه تفکر و استدلال است.

4. از نظر فیلسوفان توانایی و قدرت عقلی در کودک به صورت استعداد بالقوه وجود دارد و با تمرین و تربیت به شکوفایی و فعلیت می رسد.

5. استفاده عقل در فلسفه بیشتر از سایر دانش هاست زیرا فلسفه با استدلال های عقلی محض سر و کار دارد.

6. فیلسوفان الهی معتقدند فرشتگان از عالم عقول هستند و حقایق را از طریق شهود دریافت می کنند.

7. به عقیده فیلسوفان مسلمان روح انسانی با تهذیب نفس قادر است همچون فرشتگان حقایق را شهود کند.
8. یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خرد ورزی ایران باستان است و گزارش هایی مانند شاهنامه فردوسی حکایت از توجه و اهمیت عقل در آن دوره دارد.
9. حکیمان ایران باستان خدا را مزدا می نامیدند و معتقد بودند که خدا بر اساس خرد می آفریند.
10. هراکلیتوس از حقیقتی به نام لوگوس سخن می گفت که به معنای عقل به عنوان حقیقت متعالی و به معنای نطق و سخن و کلمه است.
11. از نظر هراکلیتوس کلمه و سخن و جهان و اشیاء ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر هستند و اشیای عالم همان کلمات عقل برتر و بیان علم و حکمت او هستند.
12. ارسطو عقل را بر اساس کاربرد و کاری که انجام می دهد به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرد و بر همین اساس دانش بشر را هم بر دو قسم می دانست: دانش نظری و دانش عملی.
13. عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید ها و نبایدها بحث می کند عقل عملی است.
14. عقل از آن جهت که در باره اشیاء و موجودات و چگونگی آن ها بحث می کند عقل نظری نامیده می شود.
15. ارسطو اقسام استدلال های تجربی و عقلی محض را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد.
16. ارسطو انسان را با مفهوم حیوان ناطق تعریف کرد که در آن مقصود از نطق همان تفکر و عقل است. وی عقل را ذاتی انسان می دانست.
17. در عصر رنسانس و دوره جدید اروپا عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و تنها معیار تشخیص درستی یا نادرستی افکار و عقاید شد. همچنین در این زمان عقل جای دین را گرفت و دین در حاشیه قرار گرفت.
18. در دوره اول حاکمیت کلیسا بزرگان کلیسا عقل را عامل تضعیف ایمان و امری شیطانی می پنداشتند و معتقد بودند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد.
19. در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکیمان مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.
20. در ابتدای دوره رنسانس فلاسفه اروپایی به دو دسته عقل گرا و تجربه گرا تقسیم شدند.
21. فرانسویس بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست .
22. دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد که توانایی اثبات خدا و نفس مجرد دارد و به عقل به عنوان یک حقیقت متعالی و برتر اعتقادی نداشت.
23. اوگوست کنت به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و معتقد بود که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن انسان و تاملات ذهنی است.
24. از نظر اوگوست کنت عقل فقط از طریق علم و روش تجربی می تواند به شناخت واقعیت و علم نائل شود.